

۱۱ سپتامبر؛ شب شمع‌های تهران؛ وقتی مردم ایران برای نیویورک همدردی کرده و گریستند

سه شنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۴ برابر با ۰۹ سپتامبر ۲۰۲۵

س. روزبه - با شنیدن و دیدن خبر حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر، جهان در شوک فرو رفت و همه دنیا متأثر شدند. من هم مثل میلیون‌ها نفر دیگر، با ناباوری به صفحه تلویزیون خیره شده بودم؛ دو برج عظیم نیویورک در آتش و دود فرو می‌ریختند و هزاران انسان بی‌گناه در یک چشم بهم زدن جان خود را از دست می‌دادند. احساس می‌کردم هر ضربه‌ای که به آن برج‌ها می‌خورد، زخمی بر قلب ما هم بود.

آن شب، زبان به زبان در تهران پیچید که قرار است در خیابان میرداماد و میدان «مادر» (میدان محسنی) مردم جمع شوند. من هم خود را رساندم. هوا که تاریک شد، هر لحظه جمعیت بیشتر می‌گردید تا آنکه به هزاران نفر رسید. سکوتی سنگین در فضا بود، سکوتی که با صدای آه و گریه آرام بعضی‌ها شکسته می‌شد. چهره‌ها مغموم بود برای آنانی که نمی‌شناختند، نگاه‌ها پر از اندوه و ناباوری. مردم می‌گفتند: «آنها انسان‌های بی‌گناه بودند؛ جنگ نبود، سرباز نبودند.» این جمله مثل ناله‌ای جمعی از دل‌ها بیرون می‌آمد. همه ترور را لعنت می‌کردند، همه بی‌پناهی قربانیان را حس می‌کردند.

در حالی که همیشه در نماز جمعه و تلویزیون شعار «مرگ بر آمریکا» تکرار می‌شد، آن شب مردمی را دیدم که مرز و حکومت برایشان معنایی نداشت. برای آنان فقط انسانیت مهم بود؛ وجدان، نه دین و نژاد و رنگ. این درک و شعور مردمی، ستودنی بود. مردمی که هیچ دشمنی با ملت‌ها نداشتند و تنها آرزویشان زندگی ساده، آرام و انسانی بود. و این واقعه دو سال بعد از حادثه و سرکوب کوی دانشگاه تهران صورت گرفت و مردم عقب‌نشینی نکردند و جوانان زیادی در بین جمعیت، از دختر و پسر، پیر و جوان و خانواده‌ها حضور داشتند.

در میان جمعیت، برای نخستین بار افسری جوان، حدودا سی و چند ساله، توجه مرا جلب کرد. او به نظر فرماندهی میدان را بر عهده داشت اما برخلاف انتظار، با آرامش و احترام رفتار می‌کرد. و با نیروهایش می‌گفتند: «آقایان و خانم‌ها، خواهش می‌کنم داخل پیاده‌رو بفرمایید و عبور و مرور را مختل نکنید.» و لحظه‌ای عجیب بود؛ هم جمعیت در سوگ و هم یک فرمانده که بجای خشونت، ادب و عقلانیت نشان می‌داد. و شاید آنها هم حس دیگری داشتند. تا اینکه بعد از تجمع و اواخر آن، سر و کله لباس‌شخصی‌ها با موتورسیکلت پیدا شد.

شمع‌ها در کنار پیاده‌رو، جلوی مغازه‌ها و لب جوی آب روشن شده بودند. شعله‌ها مثل هزاران قلب روشن می‌درخشیدند. کنار هر شمع، تصویری از همدردی بود: پیرزنی که آرام اشک می‌ریخت، جوانی که سرود «ای ایران» را می‌خواند، کودکی که دست مادرش را گرفته و با حیرت به شعله‌ها نگاه می‌کرد. صداها در هم می‌آمیخت: «آمریکا، آمریکا تسلیت»... «مرگ بر طالبان»... «مرگ بر تروریست».

ایرانی‌ها در شهرهای مختلف مانند تهران به صورت خودجوش تجمع کردند. عده‌ای از گزارش‌ها حکایت از آن دارد که در شهرهایی چون مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و دیگر شهرها مراسم شمع‌افروزی و لحظه سکوت برگزار شد که نشان از همدردی جدی اجتماعی در سراسر کشور دارد.

من آن شب با تمام وجود دریافتم که مردم ایران، جدا از حکومت‌شان، ملتی انسان‌دوست و مهربانند مانند نیاکان خود. آنچه دیدم، تصویری بود که باید در تاریخ بماند. اکنون پس از ۲۴ سال، هنوز حس آن شب در دلم زنده است و می‌خواهم آن را برای نسل‌های جدید بازگو کنم؛ تا بدانند در اوج سرکوب و شعارهای فریبنده حکومت، مردم ایران با وجدان و قلب‌شان راه دیگری را انتخاب کردند: راه همدردی، انسانیت و مهربانی.

(۱) صحنه‌ای ثبت‌شده در تاریخ؛ شمع و سکوت

آن شب هزاران نفر گرد هم آمده بودند؛ جمعیتی که سرود «ای ایران» را می‌خواندند و فریاد می‌زدند: «آمریکا آمریکا تسلیت»، «مرگ بر طالبان»، «مرگ بر تروریست». هزاران شمع در کنار پیاده‌رو، جلوی مغازه‌ها و لب جوی آب روشن شده بود. صحنه‌ای دیدنی از دلسوزی مردم برای مردم؛ همدردی‌ای ساده اما پرمعنا. مردم نشان دادند که جامعه ایران سرشار از انسان‌های شریف و درست است و در این واقعه حساب خود را از حکومت جدا کردند. حکومت تنها به صدور یک بیانیه محکومیت اکتفا کرد و حتی ۲۴ ساعت هم نتوانست این همدلی را تحمل کند و تجمع شب دوم توسط نیروهای بسیج برهم زده شد.

(۲) چرا این همدردی خودجوش بود؟ روانشناسی اجتماعی یک شمع

- ۱- همدلی بی‌مرز: رنج غیرنظامیان هویت‌های سیاسی را به حاشیه برد.
- ۲- سوگ جمعی: شمع و سکوت، زبان جهانی عزاست.
- ۳- اخلاق شهروندی در برابر سیاست رسمی: مردم می‌خواستند بگویند «با مردم آمریکا هستیم، و شعارهای حکومت را به رسمیت نمی‌شناسند و با هیچ کشوری دشمنی ندارند».
- ۴- کنش نمادین کم‌هزینه: اما همین شمع‌ها برای ساختار امنیتی غیرقابل تحمل شد.

(۳) سوگ شهروندی در برابر سوگ حکومتی

سوگ شهروندی افقی و بدون پرچم است، از پایین می‌آید و انسانی است. اما سوگ حکومتی عمودی، تبلیغاتی و همراه با نماد قدرت است. مردم برای پرهیز از مصادره عاطفه عمومی، از آن کناره می‌گیرند. شمع‌های تهران نشان دادند حساب جامعه از حکومت جداست.

(۴) واکنش جهان؛ از شورای امنیت تا ناتو

شورای امنیت در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ قطعنامه ۱۳۶۸ را تصویب کرد و حق دفاع مشروع را به رسمیت شناخت. دو هفته بعد قطعنامه ۱۳۷۳ برای مقابله با تأمین مالی تروریسم تصویب شد. ناتو برای نخستین بار ماده ۵ را فعال کرد. اتحادیه اروپا و سازمان کشورهای آمریکایی نیز همبستگی اعلام کردند.

بر اساس اسناد بین‌المللی، بسیاری از کشورها آیین‌های مشابهی مانند شمع‌افروزی، لحظات سکوت و تجمع‌های یادبود برگزار کردند.

(۵) ایران؛ شکاف دولت و حکومت

خاتمی و رهبر جمهوری اسلامی حادثه را محکوم کردند و شهردار تهران پیام تسلیت فرستاد. اما نهادهای امنیتی تجمع‌های مردمی را نپذیرفتند. این دوگانگی نشان داد دولت اصلاح‌طلب و جامعه با حکومت امنیتی زاویه دارند.

۶) بازتاب در آمریکا؛ مردم جدا از حکومت

رسانه‌های آمریکایی صحنه شمع‌های تهران را بازتاب دادند. مجله تایم از «دریایی از شمع‌ها» نوشت و نیویورکر گزارش داد که بسیجی‌ها شب دوم تجمع را برهم زدند. در واشنگتن نیز بحث تفکیک «مردم ایران» از «حکومت ایران» شکل گرفت. جرج بوش یک سال بعد در پیامی مستقیم خطاب به مردم ایران از خواسته‌های آنان و آینده‌ای آزادتر سخن گفت.

در سال ۲۰۱۱ وزارت خارجه آمریکا در سالگرد ۱۱ سپتامبر رسماً نوشت: «هرگز مهربانی مردم ایران را در آن روزهای سخت فراموش نخواهیم کرد.» در همان سال‌ها بارها بوش و دیگر مقامات آمریکایی تاکید کردند: «ما به مردم ایران احترام می‌گذاریم و می‌دانیم ملت ایران چیزی جدا از حکومت است.» حتی در اسناد رسمی کنگره نیز به «شمع‌افروزی هزاران نفر در تهران» به عنوان نشانه همدلی مردم ایران با قربانیان آمریکایی اشاره شد. اینها همه بازتابی روشن بود از تاثیر نمادین آن شب بر دیدگاه رسمی واشنگتن.

۷) نگاه جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی به همدلی مردم ایران

از دید جامعه‌شناسی، شمع‌افروزی و سرودخوانی جمعی نوعی کنش نمادین و جمعی بود. مردم می‌خواستند در عرصه عمومی هویت خود را مستقل از دولت بازنمایی کنند. آنان با انتخاب نمادهای ساده و جهانشمول مانند شمع، سکوت و سرود ملی نشان دادند که بخشی از جامعه جهانی هستند، نه بخشی از حکومت ایران.

از منظر مردم‌شناسی، این حرکت یادآور آیین‌های سنتی ایرانی بود: روشن کردن چراغ یا شمع در سوگ و همدردی، که در فرهنگ بومی همیشه وجود داشته است. وقتی این سنت‌ها با بحرانی جهانی پیوند خورد، حافظه فرهنگی مردم با تجربه روز بهم گره خورد و شکل تازه‌ای از همبستگی متولد شد.

نکته مهم این بود که مردم بدون سازماندهی رسمی عمل کردند. این خودجوشی نشان داد که جامعه مدنی ایران، حتی زیر فشار حکومتی، توانایی تولید رفتار جمعی و اخلاقی دارد. شمع‌های روشن تهران نه فقط نماد همدلی با قربانیان نیویورک، بلکه نشانه‌ای از خواست جامعه برای بیان آزاد احساسات انسانی و جدا کردن حساب ملت از حکومت بود.

نتیجه

مردم ایران در سپتامبر ۲۰۰۱ تصویری ماندگار از انسان‌دوستی فراملی نشان دادند: شمع، سرود، شعارهای همدردی و جمله ساده «آنها بی‌گناه بودند». این نقطه عطف توجه جهانیان را جلب کرد و به دنیا نشان داد ملت ایران آن نیست که حکومت تبلیغ می‌کند. بزرگترین دستاورد این بود که حساب مردم ایران از حکومت جداست و این تصویر در تاریخ ثبت شد و نقطه عطفی متفاوت در نگاه جهانیان به نمایش گذاشت.

برای امتیاز دادن به این ستاره‌ها کلیک کنید.

توجه: وقتی با ماوس روی ستاره‌ها حرکت می‌کنید، یک ستاره زرد یعنی یک امتیاز و پنج ستاره زرد یعنی پنج امتیاز!



تعداد آرا: ۱۶ / معدل امتیاز: ۴,۸

لينک کوتاه شده اين نوشته:

<https://kayhan.london/?p=386135>